

# نقش مسوولیت اجتماعی شرکتهای فعال در صنعت نفت و گاز و پتروشیمی در توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار ملی و منطقه ای

مجید گلیایگانی<sup>۱</sup>

## چکیده:

امروزه کشورها توجه زیادی به مباحث توسعه پایدار<sup>۲</sup> و توسعه اقتصادی و اجتماعی دارند. از سوی دیگر نقش صنایع و شرکتهای نیز در این خصوص هر روز پررنگتر می شود و برقراری رابطه میان صنعت و اجتماع در تحقق این امور نقش بسزایی دارد. شرکتهای با تعهد و التزام به مسوولیت اجتماعی شرکتی<sup>۳</sup> و شناخت دقیق از تاثیرات متقابل اجتماعی میان پروژه و جامعه محلی که در آن پروژه خود را اجرا می کنند، می توانند همزمان با توسعه اقتصادی و اجتماعی منطقه ای به اهداف توسعه کسب و کار پایدار خود نیز دست یابند.

طی یکصد سال گذشته، در کشور ایران پروژه های نفت و گاز و پتروشیمی در مناطق مختلف کشور اجرا شده است. با توجه به موارد پیش گفته، تاثیرات اجتماعی این گونه پروژه ها در توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار ملی و محلی بسیار اهمیت داشته و دارد. در این مقاله ضمن بررسی نقش مسوولیت اجتماعی شرکتهای بخصوص آنها که در حوزه صنایع نفت و گاز و پتروشیمی فعالیت می کنند، تلاش نموده ایم با ارایه دو مطالعه موردی به رویکردها و راهکارهای مفید در این زمینه پردازیم. مطالعه موردی اول به نقش شرکتهای نفت و گاز در منطقه نیوفاندلند کانادا مربوط می شود و مورد دوم به وضعیت توسعه اقتصادی و اجتماعی منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس (عسلویه) در ایران می پردازد. نتایج حاصل از بررسی این دو مورد نشان از تاثیر جدی یک برنامه توسعه پایدار شرکتی و اهمیت نقش مسوولیت اجتماعی شرکتهای در توسعه اقتصادی و اجتماعی منطقه عملیاتی اجرای پروژه دارد.

## مرور ادبیات:

مفهوم مسوولیت اجتماعی شرکتی طی دو دهه اخیر در کشورهای غربی مطرح و توسعه یافته، ولی تفاوت های فرهنگی موجود در کشورهای مختلف موجب شده تا تعابیر و تلقی های متنوعی از مسوولیت اجتماعی در نقاط مختلف دنیا پدید آید. پس از حدود دو دهه بحث و نظریه پردازی هنوز مسوولیت اجتماعی شرکتهای از تعریف روشن و مورد پذیرش همگان در جامعه جهانی برخوردار نیست. بحران های زیست محیطی در جهان از سال

---

<sup>۱</sup> - مجید گلیایگانی، دکترای مدیریت کسب و کار، پژوهشگر، مشاور و مدرس سازمان مدیریت صنعتی [mg2035@yahoo.co.uk](mailto:mg2035@yahoo.co.uk)

<sup>۲</sup> - Sustainable Development

<sup>۳</sup> - Corporate Social Responsibility (CSR)

۱۹۹۲ به طور جدی مورد توجه قرار گرفته و در کنفرانس ریو به امضای پیش نویس یک پروتکل از سوی کشورهای جهان منجر و متعاقب آن در کیوتو این پروتکل مورد تاکید و اصلاح قرار گرفته و تصویب شد. همچنین، عدم رعایت اخلاق کسب و کار و در مواردی بروز فساد مالی، رشوه و زیاده خواهی در برخی شرکت‌های بزرگ دنیا، موجب توجه جامعه جهانی به مقوله اخلاق حرفه‌ای شد. (امیدوار، ۱۳۸۷)

در اواخر قرن بیستم، سازمان ملل متحد موضوع اهداف هزاره سوم<sup>۱</sup> را طرح کرده و به تمامی کشورهای دنیا ابلاغ نمود. پس از آن شرکت‌های بزرگ و چند ملیتی دنیا و بورس‌های معتبر جهانی به سمت برنامه‌ریزی سازمانی جهت دستیابی به اهداف توسعه پایدار پرداختند. این برنامه‌ها در قالب گزارش سالانه<sup>۲</sup> شرکت‌ها آورده می‌شود. پس از مدتی این برنامه‌ها آن‌چنان توجه سرمایه‌گذاران بورسی و دولت‌ها را جلب کرد که شرکت‌ها خودرا به ارائه گزارش کامل برنامه‌های توسعه پایدار خود تحت عنوان برنامه سالانه پایداری<sup>۳</sup> شرکت نمودند.

بورس‌های معتبر جهان نظیر بورس لندن و بورس نیویورک به تهیه و ارائه شاخص‌هایی برای رتبه‌بندی شرکت‌های با عملکرد پایداری برتر نظیر شاخص فوتسی فور گود<sup>۴</sup> یا شاخص پایداری داوو جونز<sup>۵</sup> پرداختند. هم‌اکنون شرکت‌های معتبر جهانی گزارش سالانه خود را تحت عنوان گزارش پایداری<sup>۶</sup> شرکت ارائه می‌کنند. برخی از این شرکت‌ها پا را فراتر نهاده و گزارش خود را تحت عنوان گزارش پایداری و مسوولیت اجتماعی شرکتی<sup>۷</sup> منتشر می‌نمایند. (ودیدی و همکاران، ۱۳۹۲)

گزارش سالیانه یعنی اطلاعاتی در خصوص عملکرد سود و زیان شرکت در سال گذشته و در آن سخنی از برنامه‌های آینده وجود ندارد. لیکن در گزارش پایداری شرکت علاوه بر گزارش سالیانه، برنامه‌های ۳ الی ۵ سال آینده شرکت به منظور توسعه پایدار ارائه شده و نظر سهامداران را به چشم انداز آتی شرکت جلب می‌کند. در بورس‌های معتبر جهان مانند بورس نیویورک، لندن و توکیو ارائه گزارش پایداری و حاکمیت شرکتی برای شرکت‌ها الزامی شده است. در بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۸۶ آیین نامه حاکمیت شرکتی تهیه و تا سال گذشته اختیاری بوده و از سال ۱۳۹۲ برای شرکت‌ها الزامی شده است ولی تاکنون ارائه گزارش مسوولیت اجتماعی اجباری نشده است. (ودیدی و همکاران، ۱۳۹۲)

به طور اجمالی می‌توان گفت که مسوولیت اجتماعی شرکتی یعنی «شرکت‌ها چگونه کسب درآمد می‌کنند؟ و نه اینکه چگونه درآمد خود را در امور خیریه خرج می‌کنند». موضوع حایز اهمیت نحوه کسب درآمد شرکت‌ها و کیفیت سودآوری آنهاست. باید هر شرکتی در ابتدا توضیح دهد که درآمد خود را از چه راهی و به چه شیوه‌ای تحصیل نموده است. چگونگی خرج کردن در موارد خیریه و عام‌المنفعه از اهمیت به مراتب کمتری برخوردار است. در راستای پدیده جهانی شدن، بنگاه‌های چند ملیتی، بسیار بزرگ‌تر از قبل و درآمد آنها گاهی از درآمد برخی کشورهای جهان بیشتر شده و تعداد کارکنان آنها نیز به صدها هزار نفر رسیده است. بنابراین تاثیرگذاری شرکت‌های بزرگ و چند ملیتی در توسعه جهانی، ملی و محلی و توجه به مسوولیت اجتماعی آنها بسیار حایز اهمیت است. (امیدوار، ۱۳۸۷)

1 - Millennium Development Goals (MDG)

2 - Annual Report

3 - Corporate Sustainability Plan

4 - FTSE4GOOD

5 - Dow Jones Sustainability Index (DJSI)

6 - Sustainability Report

7 - Corporate Sustainability and Responsibility Report

شرکت‌های فعال در حوزه صنایع نفت و گاز و پتروشیمی در جهان به دلیل نقش و اهمیت این صنعت در توسعه اقتصادی و اجتماعی منطقه‌ای که در آن فعالیت می‌کنند همواره در تلاش برای ارایه گزارش پایداری و مسوولیت اجتماعی خود هستند. به عنوان مثال می‌توان به شرکت‌های بزرگ نفتی بی‌پی<sup>۱</sup> اشاره نمود که آدرس گزارش سالانه پایداری و مسوولیت اجتماعی سال ۲۰۱۳ آن در بخش منابع آورده شده است. [9]

### اهمیت ایفای نقش مسوولانه شرکتها در توسعه اقتصادی و اجتماعی

همانگونه که پیشتر گفته شد مسوولیت اجتماعی شرکتی به نحوه انجام کسب و کار و حصول درآمد توسط شرکت‌ها مربوط می‌شود، نه به میزان پولی که آن‌ها صرف برخی امور خیریه می‌کنند. این رویکرد با ترسیم نقش یک شرکت در هر یک از حوزه‌های بازار، صنعت، محیط‌کار، محیط‌زیست و جامعه، در تلاش است که به شرکت‌ها در حصول به درآمدهایی پایدار از طریق تجارت منصفانه، مسوولانه و پایدار یاری برساند. در چنین شرایطی ظهور مفاهیمی چون مسوولیت اجتماعی شرکت‌ها و ترسیم استراتژی‌های شرکتی با رویکرد توسعه پایدار بدیهی و امری اجتناب ناپذیر است. (امیدوار، ۱۳۸۷)

برنامه‌های مسوولیت اجتماعی شرکت‌ها به این منظور برنامه‌ریزی می‌شود که برای جامعه به‌طور کلی و برای سهامداران حامل ارزش‌های پایدار باشد. در واقع شرکت‌ها از نقش تاریخی خود که کسب سود، پرداخت مالیات، استخدام کارکنان بر اساس قوانین است فراتر می‌روند و در تحقق هدف‌های اجتماعی گسترده‌تر نقش بسزایی خواهند داشت. مسوولیت اجتماعی شرکتی رویکردی متعالی به کسب و کار است که تاثیر اجتماعی یک شرکت بر جامعه چه داخلی و چه خارجی را مد نظر قرار می‌دهد تا از یک سو موجب همسویی منافع اقتصادی با محیط زیست و اجتماع و از سوی دیگر سبب توفیق، رشد و پایداری کسب و کار شود. در واقع یکی از ابزارهای مهمی که در دنیای رقابتی امروزی می‌توان برای ایجاد تمایز از رقبا جهت بدست آوردن مزیت رقابتی برای بالا بردن سهم بازار از آن بهره جست، توجه به مسوولیت اجتماعی در کسب و کار می‌باشد. (پورتر، ۲۰۰۶)

اگر مدیران احساس نمایند که با هزینه کردن در مقوله مسوولیت اجتماعی شرکتی می‌توانند به سودآوری و پیشرفت بیشتر شرکت دست یابند، قطعاً با رغبت بیشتری سراغ این موضوع خواهند رفت. مایکل پورتر<sup>۲</sup> اسطوره مدیریت استراتژیک دنیا در مقاله ای تحت عنوان «استراتژی و جامعه» رابطه بین مزیت رقابتی و مسوولیت اجتماعی شرکتی را بیان می‌کند و معتقد است که مسوولیت اجتماعی شرکتی یک مزیت رقابتی برای شرکت ایجاد می‌کند. (پورتر، ۲۰۰۶) در مدل تعالی سازمانی ایران که بر گرفته از مدل مدیریت کیفیت اروپایی است، برای موضوع مسوولیت اجتماعی شرکتی ۱۰۰ امتیاز از ۱۰۰۰ امتیاز کل را در نظر گرفته است. این موضوع نشان از اهمیت توجه به فعالیتهای شرکت روی جامعه دارد و برای شرکتها و مدیران ارشد آنها نیز که در فرایند جایزه ملی تعالی سازمانی شرکت می‌کنند نیز بسیار مورد توجه است. میزان درک مفهوم مسوولیت اجتماعی شرکتی در میان اعضای هیات مدیره، مدیرعامل، معاونین و مدیران میانی هر شرکت، نشان دهنده وضعیت آن شرکت در مبحث مسوولیت اجتماعی شرکتی است. (گلپایگانی، ۱۳۹۲)

1 - British petroleum (BP)

2 - Michael Porter

در کنار توجهی که کشورها به مباحث توسعه پایدار و توسعه اقتصادی و اجتماعی دارند بر اهمیت و نقش صنایع و شرکت‌ها نیز در این خصوص هر روز اضافه می‌شود و برقراری رابطه میان صنعت و اجتماع در تحقق این امور نقش بسزایی دارد. اگر میان صنعت و جامعه تعامل مناسبی برقرار شود و پروژه‌های صنعتی در مکان‌هایی که اجرا می‌شوند با اجتماعات محلی ارتباط متقابل داشته باشند بطوریکه مردم محلی پروژه را پذیرفته و در پیشبرد پروژه مشارکت داشته باشند، اجرای پروژه می‌تواند موجب ایجاد فرصت‌های شغلی و بستر ساز توسعه در منطقه شود. در واقع شرکت‌ها با تعهد و التزام به مسوولیت اجتماعی خود و شناخت دقیق از تاثیرات متقابل اجتماعی میان پروژه و اجتماع محلی می‌توانند به اهداف توسعه کسب و کار پایدار همزمان با توسعه اقتصادی و اجتماعی منطقه‌ای دست یابند. (طالبیان و عمرانی مجد، ۱۳۸۷)

کشور ایران به دلیل برخورداری از منابع نفت و گاز در جهان به عنوان یک کشور نفت خیز شناخته می‌شود. از حدود صد سال پیش تاکنون، پروژه‌های نفت و گاز و پتروشیمی در مناطق مختلف کشور اجرا شده است. با توجه به موارد پیش گفته، تاثیرات اجتماعی این گونه پروژه‌ها در توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار ملی و محلی بسیار مهم است. در صورت عدم توجه به نقش فعالیت‌های مسولانه اجتماعی شرکت‌ها در مناطق عملیاتی و تاثیرات منفی ناخواسته یا غیر قابل پیش بینی ممکن است لطمات فراوانی را به پیشبرد اهداف پروژه یا توسعه جوامع محلی تحت تاثیر وارد نموده که جبران آن در بعضی مواقع مستلزم صرف هزینه‌های فراوان اقتصادی و اجتماعی است.

اقدامات و راهکارهای مختلفی وجود دارد که شرکت‌ها با پیروی از آنها در راستای اینکه شهروند اجتماعی بهتری شوند و مسوولیت اجتماعی خود را به اجرا درآورند می‌توانند انجام دهند. یکی از مقرون به صرفه‌ترین روش‌ها، انجام فعالیت‌های اجتماعی و اجرای برنامه‌های داوطلبانه توسط سازماندهی یک گروه از کارمندان داوطلب است که مسوول پیگیری برنامه‌های شرکت در این زمینه باشند. حمایت از پایان نامه‌ها و برنامه‌های کارورزی و به‌کارگیری دانشجویان یا کارآموزانی که می‌توانند تحقیقاتی در این زمینه انجام دهند نیز راهکار دیگر است. انجام برنامه‌های مرتبط با انرژی در جهت تلاش برای حفظ محیط‌زیست، کاهش آلودگی هوا، اجرای برنامه‌های بازیافتی مواد سمی و ضایعات، عدم انتشار گازهای مخرب، صرفه جویی در مصرف آب، طراحی سازه‌های دوستدار محیط زیست یا رویکرد سبز و ارائه خدمات و تجهیزات برای مصرف بهینه انرژی از جمله دیگر راهکارها می‌باشند. با انجام یک یا چند راهکار پیشنهادی فوق در حین اجرای پروژه در منطقه عملیاتی می‌توان به توسعه اقتصادی و اجتماعی محلی و بومی منطقه نیز کمک نمود. (گلپایگانی، ۱۳۹۱)

## مطالعه موردی ۱: تجربه نیوفاندلند و نقش شرکتهای نفت و گاز در توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق عملیاتی

استان نیوفاندلند در بخش شرقی کشور کانادا و در مجاورت اقیانوس آتلانتیک شمالی واقع شده است. تا پیش از دهه ۱۹۷۰ میلادی، نیوفاندلند ضعیف‌ترین استان کشور کانادا به شمار می‌رفت. نخستین مجوز حفاری دریایی در این منطقه در سال ۱۹۶۳ صادر و نخستین چاه نفت این منطقه در سال ۱۹۶۶ حفر شد. در اواخر دهه ۱۹۷۰، دولت محلی نیوفاندلند مدلی جهت استفاده از درآمدهای نفت و گاز برای توسعه استان نیوفاندلند طراحی نمود. این مدل با هدف رهایی از توسعه نیافتگی تاریخی، سطح پایین درآمد، بیکاری و مهاجرت گسترده

از نیوفاندلند به مناطق دیگر تدوین شد. در نتیجه تدوین این مدل و وضع قوانین جدید در سال ۱۹۷۷ میلادی، این منطقه از نظر درآمد، مالکیت، فرصت‌های کسب و کار و اشتغال، آموزش، تحقیق و توسعه، سرعت و شیوه توسعه به حداکثر میزان خود رسید. به علاوه، بر اساس قوانین ایالتی سال ۱۹۹۷، همچنین سیاست ملی انرژی دولت فدرال و پیمان آتلانتیک، فعالیت‌های صنعتی شرکت‌های نفت و گاز فعال در منطقه نیوفاندلند با هدف به حداقل رساندن آثار تخریبی صنایع جدید بر جوامع و فرهنگ‌های سنتی و پیشگیری از جهش‌های ناگهانی اقتصادی و مشکلات متعاقب آن اجرا می‌شود. بر اساس پیمان آتلانتیک، مدیریت مشترک استانی-صنعتی بر فعالیت‌های صنعت نفت نیوفاندلند حاکم است. این مدیریت مشترک در فرایند بازبینی پروژه‌ها و سازوکارهای کنترل سرعت رشد منطقه و مسایل مالی فعالیت می‌کند.

دولت کانادا مبلغ ۳۰۰ میلیون دلار کانادا از صندوق توسعه نفت و گاز فراساحل جهت تقویت زیرساخت‌های نیوفاندلند با هدف آمادگی مشارکت در پروژه‌های نفت و گاز اختصاص داد. به این ترتیب، مردم و شرکت‌های فعال در منطقه نیوفاندلند از فرصت برابر برای فعالیت در پروژه‌های نفت و گاز پیدا کردند. شرکت‌های نفت و گاز موظف هستند طرح تجاری خود را منطبق با برنامه توسعه پایدار و نقش مسوولیت اجتماعی خود ارائه دهند. این طرح باید حاوی مفادی همچون به کارگیری نیروهای کانادایی به ویژه شهروندان نیوفاندلند، ایجاد فرصت برای سازندگان، مشاورین، پیمانکاران و شرکت‌های خدماتی نیوفاندلند در تامین کالا و خدمات، مشارکت در تصمیم‌گیری، صرف هزینه در تحقیق و توسعه، آموزش و کارآموزی شهروندان نیوفاندلند باشد. علاوه بر این طرح، شرکت‌ها باید برنامه‌های دیگر خود را نظیر طرح توسعه کسب و کار، طرح ایمنی و برنامه مقابله با آسیب محیط زیست و برنامه مقابله با آسیب‌های اجتماعی اقتصادی برای منطقه میزبان فعالیت‌های نفت و گاز تهیه و برای مطالعه و بررسی به دولت و جامعه ارایه کنند. این طرح‌ها باید پیش از شروع به کار پروژه‌های نفت و گاز به تایید دولت و مقامات استان برسد. (Whitford, 2005)

شرکت نفتی موبیل کانادا<sup>۱</sup> برای اولین بار در سال ۱۹۹۸، طرح‌های فوق را در توسعه میدان نفتی هیبرنیا<sup>۲</sup> ارایه داد. در آغاز کار، به دلیل هزینه‌های سربار ناشی از تدوین، رعایت و اجرای این طرح‌ها، پروژه غیر اقتصادی به نظر می‌رسید. لیکن، با حمایت دولت، این طرح‌ها در صنعت نفت نیوفاندلند شروع شد. حمایت‌های دولت شامل تعهد پرداخت ۲۵٪ از هزینه‌های ساختمانی تا سقف ۱,۰۴ میلیارد دلار کانادا و تضمین وام برای ۴۰٪ هزینه‌ها بود. مقامات دولتی اختصاص منافع حاصل از پروژه‌های نفت و گاز را برای گسترش کسب و کار و اشتغال‌زایی در منطقه نیوفاندلند را تعهد نمودند. در نتیجه این اقدامات، تولید ناخالص ملی نیوفاندلند در سال اول اجرای پروژه‌های نفت و گاز به ۵,۷٪ (معادل ۶۲۶ میلیون دلار کانادا) رسید. برای اولین بار مهاجرت معکوس (مهاجرت از سایر مناطق کانادا به نیوفاندلند) رخ داد. این نتایج تنها از پروژه توسعه میدان نفتی هیبرنیا به دست آمد.

از سال ۲۰۰۱ میلادی، پروژه‌های نفت و گاز دیگری در منطقه نیوفاندلند به بهره برداری رسیده یا کلنگ زنی شده است. مجموع سهم همه پروژه‌های فوق در تولید ناخالص ملی و اشتغال این استان به ترتیب ۱۰,۴٪ و ۲,۶٪ رسید. در نتیجه این برنامه‌ریزی‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها، زیرساخت‌های صنعتی و عمومی منطقه رشد قابل توجهی یافت. بخش عمده آموزش نیروهای مورد نیاز صنایع نفت و گاز و صنایع وابسته به عهده دانشگاه مموریال<sup>۳</sup> نیوفاندلند گذاشته شد. بسیاری از این دوره‌های آموزشی، در صنعت نفت و فراتر از آن در سطح

1 - Mobil Canada

2 - Hibernia

3 - Memorial University

جامعه کاربرد دارد. در مجموع، شکل گیری و شکوفایی صنعت نفت در نیوفاندلند منافع گسترده و متعددی به دنبال داشته است. از آن جمله می‌توان به رشد اقتصادی، درآمد از منابع زیرزمینی، ایجاد زیرساخت‌های جدید، تقویت خدمات حمل و نقل و ارتباطات، توسعه منابع انسانی، انتقال فناوری، افزایش روحیه، دلگرمی، اعتماد و رقابت شرکت‌های محلی در پروژه‌های نفت و گاز اشاره نمود. علاوه بر این، صنعت نفت در نیوفاندلند باعث رشد توریسم، گردشگری و مسافرت به منطقه نیز شده است. این امر از طریق برگزاری جلسات، کنفرانس‌ها، نمایشگاه‌ها، مهمانی شرکت‌ها و هزینه‌های شخصی گردشگری توسط پرسنل شاغل در شرکت‌های نفتی صورت می‌گیرد. از طریق برنامه‌های فوق، بخش هتلداری، رستوران‌ها، خدمات حمل و نقل، امکانات تفریحی و سرگرمی نیز رشد می‌کند. (Whitford, 2005)

## مطالعه موردی ۲: منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس (عسلویه)

برگرفته از اطلاعات درج شده در وب سایت رسمی اینترنتی [10]، این منطقه در سال ۱۳۷۷ و به منظور بهره برداری از منابع نفت و گاز حوزه پارس جنوبی و انجام فعالیت‌های اقتصادی در زمینه نفت و گاز و پتروشیمی در محدوده نوار ساحلی عسلویه و خلیج نایبند به وسعت ۳۰ هزار هکتار تاسیس شده است. تسریع در تامین گاز مورد نیاز کشور، صادرات گاز و میعانات گازی، تامین خوراک کلیه صنایع وابسته به نفت و گاز و پتروشیمی، تسهیل در اجرای پروژه‌های توسعه میدان گازی پارس جنوبی و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و داخلی، ایجاد پالایشگاه گاز و میعانات گازی، ایجاد صنایع پتروشیمی وابسته به گاز، جذب صنایع وابسته به نفت و گاز، ایجاد پایانه‌های صدور میعانات گازی، نفت و گوگرد و مشتقات وابسته، انجام خدمات مورد نیاز صنایع نفت و گاز از عمده ترین اهداف و فعالیت‌های مورد نظر از تاسیس این منطقه بوده است.

نزدیکی به مخزن گازی مشترک پارس جنوبی به عنوان یکی از بزرگترین مخازن گازی دنیا و نیز امکان صدور تولیدات با هزینه اندک، به علت قرار داشتن منطقه در کرانه‌های خلیج فارس، فاصله اندک (۶۰ کیلومتر) با پالایشگاه گاز کنگان جهت تامین نیاز داخلی و صدور گاز به کشورهای اروپایی از مزیت‌های اصلی منطقه می‌باشد. عسلویه به عربی اَعسلُوه روستایی و یک منطقه عظیم صنعتی از توابع استان بوشهر در جنوب ایران است. این منطقه در بافت بومی خود دارای مسجد، دبستان، آب انبار و برق و خانه بهداشت است. تا پیش از استقرار منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس پیشه مردم روستا تجارت، سفر و ماهی‌گیری بود. همچنین کشاورزی و دامداری نیز در روستا رایج بود، که با ورود سیل کارکنان منطقه، معیشت آنان نیز دستخوش تغییراتی شد.

در بخش دیگر وب سایت اینترنتی منطقه، اطلاعاتی در خصوص واحدهای صنعتی، مجتمع‌ها و فازهای پروژه آورده شده است. این منطقه دارای واحدهای عظیم و پرشمار پتروشیمی و پالایشی است. از این رو فرودگاه قدیم تعطیل شد و فرودگاه جدید با نام خلیج فارس احداث و مورد استفاده قرار گرفته است. با توجه به فراهم بودن مواد اولیه تولید شده توسط صنایع پتروشیمی در منطقه و تامین خوراک مورد نیاز صنایع پایین دست پتروشیمی، سائیتی به وسعت یک هزار هکتار برای استقرار و توسعه صنایع پایین دست از قبیل پلیمرها، لاستیک و پلاستیک، الیاف مصنوعی و نساجی، روغن‌های صنعتی، رزین‌ها و چسب‌ها، رنگ‌های و پوشش‌های حفاظتی، سموم دفع آفات، شوینده‌های بهداشتی، کودهای شیمیایی در نظر گرفته شده است. صنایع سازه‌های نیمه

سنگین فلزی، مخازن تحت فشار، تجهیزات پالایشگاهی، پتروشیمی و نیروگاهی، صنایع خطوط لوله و صنایع فلزی جزو صنایع نیمه سنگین منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس به حساب می‌آید. صنایع ساخت قطعات و تجهیزات صنعت نفت و گاز و پتروشیمی، صنایع فلزی، صنایع برق و الکترونیک، صنایع ابزار دقیق و صنایع شیمیایی جزو صنایع مختلط منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس به شمار می‌آید. با توجه به گسترش نیازهای صنعتی منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، به ویژه در ارتباط با سازه‌های بندری و تاسیسات دریایی، احداث پایگاه‌های بزرگ صنایع برای ساخت، نصب و تعمیر انواع سازه‌های دریایی، تاسیسات ساحلی و تجهیزات مرتبط با بنادر کشتیرانی زمینی به وسعت ۱۰۰ هکتار در غرب اراضی منطقه به این منظور اختصاص یافته است. طراحان منطقه ویژه پارس با انتخاب آمایش متمرکز فعالیت‌ها در عسلویه، در عمل به دنبال فراهم کردن بسترهای لازم این منطقه برای جذب سرمایه و فناوری و نیروی کار ماهر بوده‌اند. از سوی دیگر، مزیت مکانی در استفاده از یک رشته اصلی، یعنی استخراج گاز طبیعی است. نزدیکی این منطقه به مخازن گاز طبیعی خلیج فارس، عامل اصلی انتخاب آن بوده و نگاه به بیرون در مورد صادرات محصولات خام یا فراوری شده از اهداف اصلی آن منطقه ویژه است. [10]

در دیدگاه توسعه پایدار، توسعه صرفاً یک‌سویه نیست و نسل‌های بعد را هم در نظر می‌گیرد. این توسعه در عین حال، در صدد پاسخگویی به پنج هدف، شامل تامین نیازهای اولیه انسان، دستیابی به عدالت اجتماعی، خود مختاری، تنوع فرهنگی و حفاظت از محیط زیست است. از سوی دیگر، اهداف توسعه پایدار نیز بخش‌های زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی را شامل می‌شود. در چنین شرایطی، با توجه به تجربیات بین‌المللی و نیز تحقیقات قبلی صورت گرفته در عسلویه، پژوهشی در خصوص شاخص‌های توسعه پایدار محلی در سه بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی در سال ۱۳۹۰ صورت گرفت. (عنبری و ملاکی، ۱۳۹۰)

یافته‌های این تحقیق در سه بخش وضعیت منطقه قبل از ورود صنعت، هم‌زمان با ورود صنعت و بعد از ورود صنعت دسته‌بندی شده است. منطقه قبل از ورود صنعت، بسیار محروم و دورافتاده بوده و خیلی مهاجرتی به آنجا صورت نمی‌گرفته و هر چند از لحاظ بهداشتی و آموزشی در سطح بسیار پائینی بوده اما آسیب‌های اجتماعی نیز در آن خیلی کم دیده می‌شده است. اغلب مردم از برنامه ورود صنعت به منطقه خود اطلاع چندانی نداشتند تا سال ۱۳۷۵ که فعالیت آن آغاز شد. در این زمینه، بحث اصلی مربوط به دوره بعد از ورود صنعت است که برای بررسی آن، شاخص‌هایی مثل اشتغال، امنیت، کشاورزی، آسیب‌های اجتماعی، آموزش، بهداشت، کیفیت زندگی، نابرابری و عدالت اجتماعی، جمعیت و مهاجرت، ارزش‌ها و هنجارها و امکانات و زیرساخت‌ها، به عنوان محورهای توسعه پایدار روستایی مورد سنجش قرار گرفته‌اند.

بر اساس یافته‌های پژوهش فوق، قبل از ورود صنعت، مردم بیشتر به کشاورزی، ماهیگیری و تجارت در حوزه خلیج فارس اشتغال داشتند اما پس از آن، با ایجاد تاسیسات صنعتی در بیشتر زمین‌های قابل کشت و افت شدید کیفیت محصولات کشاورزی باقی مانده به دلایل آلودگی‌های شدید زیست محیطی، شغل کشاورزی از بین رفت و بومیان بیشتر در مشاغل موقتی مثل اجاره‌داری و خدمات مشغول به کار شدند و خیلی از آنها نیز اکنون بیکارند.

در مورد شاخص امنیت اجتماعی منطقه، به نظر می‌رسد قبل از ورود صنعت، امنیت زیادی برقرار بوده و آسیب‌های اجتماعی در آن زیاد نبوده است این در حالی است که پس از آن، با ورود خرده فرهنگ‌های گوناگون، نظم سنتی این منطقه از بین رفته و در اوج فعالیت‌ها، یعنی سال‌های ۷۸ تا ۸۴، آسیب‌هایی مثل سرقت، قتل، درگیری و فحشا به یک معضل بزرگ در عسلویه تبدیل شد.

شاخص آموزش در این منطقه، قبل از ورود صنعت بسیار پایین بوده، اولین دبیرستان آنجا در سال ۱۳۷۱ تأسیس شده که فقط یک رشته علوم انسانی داشته و خیلی‌ها به دلیل نبود امکانات آموزشی، از تحصیل باز می‌ماندند ولی بعد از ورود صنعت، در بیشتر نقاط، فضا و امکانات آموزشی در اختیار همگان قرار گرفت. در مورد آموزش عالی هم با احداث دانشگاه پیام نور، وضعیت بسیار بهتری نسبت به قبل ایجاد شد؛ به طوری که بومیان آنجا از وضع آموزشی بسیار احساس رضایت می‌کنند.

در مورد وضعیت بهداشت نیز باید گفت که تا قبل از ورود صنعت، در این منطقه خانه بهداشت وجود داشته که امکانات چندانی نداشتند اما پس از آن، امکانات بهداشتی و مراکز مختلف آن، افزایش خوبی داشته است. با این وجود در مورد کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی، عموماً مردم بومی از وضعیت قبل از ورود صنعت رضایت بیشتری دارند و احساس می‌کنند امکانات ایجاد شده خیلی در اختیار آنها نبوده و بیشتر در اختیار کارکنان صنعت قرار می‌گیرد اما به نظر می‌رسد با خدماتی مثل جاده‌ها و راه‌های در حال تأسیس و امکانات آموزشی و بهداشتی، در آینده وضع کیفیت زندگی تا حدی بهتر خواهد شد.

در بررسی شاخص نابرابری و عدالت اجتماعی نیز پیش از ورود صنعت، در عسلویه که بیشتر ساکنان آن سنی مذهب و عرب زبان هستند، روابط اجتماعی بسیار قوی بوده است و صله رحم و دستگیری از فقیران همیشه یک ارزش محسوب می‌شده و شکاف بین فقیر و غنی در حدی نبوده که به عنوان یک مساله به حساب آید. این در حالی است که پس از صنعتی شدن منطقه، برخی مردم زمین‌ها را فروختند و ثروتی به دست آوردند و به تبع آن، تورمی ایجاد شد که فاصله دو قشر را به شدت افزایش داد. مساله تبعیض و نابرابری در دسترسی به امکانات و فرصت‌ها و عدم توجه به بومیان، به‌خصوص در زمینه اشتغال، از موضوعات مهم دیگر در این تحقیق بوده است. ایجاد آلودگی‌های محیط زیستی فراوان، حتی در آب و خاک منطقه، پس از صنعتی شدن آن، یکی از شاخص‌های مهم عدم توسعه پایدار در عسلویه است. از سوی دیگر، امکانات و زیر ساخت‌ها نیز با وجود آن‌که در مواردی مثل آب لوله‌کشی و برق خیلی بهتر شده اما توزیع آنها بسیار نامتعادل است. امکانات ورزشی ایجاد شده یا در اختیار بومیان قرار نمی‌گیرد یا برای آنها به صورت بسیار محدود است.

در مورد شاخص جمعیت و مهاجرت نیز مشاهده می‌شود که قبل از ورود صنعت، جمعیت منطقه عسلویه بسیار کم و در حد ۳۰ هزار نفر، البته با نرخ زاد و ولد بالا بوده و مهاجرت از آن بیشتر به کشورهای عربی صورت می‌گرفته است اما طی سال‌های اخیر این منطقه بسیار مهاجرپذیر شده است. با این حال، تعدادی از افراد متمول بومی به شیراز و اصفهان و دیگر شهرهای بزرگ مهاجرت کرده‌اند. از سوی دیگر در مورد شاخص ارزش‌ها و هنجارها نیز می‌توان گفت که قبل از ورود صنعت، ارزش‌های سنتی بر این منطقه حاکم بوده اما اکنون نوعی دوگانگی ارزشی ایجاد شده است. مردم بومی قدیمی‌تر هنوز به ارزش‌های خود وفادارند ولی در محیطی کاملاً مدرن به‌سر می‌برند که این ارزش‌ها دیگر کارکردی ندارند.

بر اساس یافته‌های این تحقیق می‌توان اعلام کرد که توسعه منطقه عسلویه توسعه‌ای نامتوازن بوده که در آن تنها به بخش صنعتی توجه شده و توسعه اجتماعات محلی نادیده گرفته شده یا در اولویت مسئولان قرار ندارد و به همین دلیل، در حال حاضر پیوند چندانی میان اجتماعات محلی و صنعت وجود ندارد. بر این اساس، هر روز انتظارات مردم بیشتر می‌شود ولی همچنان بدون پاسخ می‌ماند. در واقع، با توجه به پیشرفت قطر در بهره‌برداری از ذخایر گازی، اولویت مسئولان تنها توسعه صنعتی است و بدین ترتیب، شاهد یک فرآیند توسعه از بالا به پایین از سوی دولت هستیم که توسعه محلی در آن جایی ندارد.



## جمع بندی :

وقتی مسئولیت اجتماعی شرکتی در برگیرنده توسعه و حفظ ارتباط با جامعه است، باید به عنوان تاثیر متقابل عوامل، فعاليتها و منابع هدایت شود. همچنین مادامی که اهمیت رویدادهای بحرانی به سطح غالب مسئولیت اجتماعی وابسته است، مدیریت در مسئولیت اجتماعی به توانایی برای رسیدگی به رویدادهای غیر منتظره و کاهش طولانی مدت فاصله میان انتظارات سهامداران و عملکرد شرکت ها نیاز دارد.

تجربه نیوفاندلند و وضعیت آن پیش از ظهور صنایع نفت و گاز و بعد از آن می تواند الگوی خوبی برای توسعه روابط صنعت و جامعه در مناطق عملیاتی نفتخیز و گازخیز کشور ایران باشد. مدیریت مشترک بخش دولتی غیر نفتی و شرکتهای بخش خصوصی نفت و گاز بر این پروژه ها یک مساله بسیار مهم و کلیدی است. از طریق مدیریت مشترک می توان به اهداف عالی های همچون صیانت از مخازن، حفاظت محیط زیست، توسعه متوازن منطقه ای، مسوولیت اجتماعی شرکتی و توسعه پایدار دست یافت. تجربه عسلویه نیز نشان دهنده این واقعیت است که تعامل بین دولت، صنعت نفت و گاز و پتروشیمی و جامعه تا چه حد می تواند بر توسعه یک منطقه میزبان این صنایع تاثیرات مثبت یا منفی داشته باشد. اقدامات زیربنایی دولت ها در حمایت از زمینه های توسعه مناطق میزبان باید شکل اصولی و همه جانبه داشته باشد. برای انجام درست این اقدامات و نیل به اهداف عالی ه توسعه، تفکر مدیریت اهمیت بسزایی دارد.

## منابع:

- ۱- امیدوار، علیرضا (۱۳۸۷)، ترویج مسئولیت اجتماعی شرکت ها، تکمیل کننده و جایگزین سیاست ها و وظایف دولت، مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت پژوهشهای فرهنگی و اجتماعی / گروه پژوهش های مدیریت، آموزش و منابع انسانی، پژوهشنامه مسوولیت اجتماعی سازمانها، شماره ۲۱، مهر ۱۳۸۷.
- ۲- طالبیان، سید امیر و عمرانی مجد، عبدالله (۱۳۸۷)، ارزیابی تأثیرات اجتماعی پروژه های صنعت نفت و گاز، فصلنامه مدیریت منابع انسانی در صنعت نفت موسسه مطالعات بین المللی انرژی، شماره ۱.
- ۳- عنبری، موسی و ملاکی، احمد (۱۳۹۰)، اثرات رشد قطب های صنعتی بر توسعه پایدار محلی، مجله توسعه روستایی، دوره سوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰ - شماره ۲.
- ۴- گلپایگانی، مجید و سیفی، حمیدرضا (۱۳۹۱)، حاکمیت شرکتی، پایداری و مسوولیت اجتماعی شرکتی، انتشارات مهر امیر المومنین.
- ۵- گلپایگانی، مجید (۱۳۹۲)، اصول حاکمیت و مسوولیت اجتماعی شرکتی، گسترش صنعت، شماره ۱۰۵۵.
- ۶- ودیعی، محمد حسین و همکاران، (۱۳۹۲)، بررسی آخرین تحولات های گزارشگری مالی یکپارچه، همایش ملی حسابداری مشهد.

7- Jacques Whitford and Associates. "*Socio-Economic Benefits from Petroleum Industry Activity in Newfoundland and Labrador.*" St. John's: Petroleum Research Atlantic Canada, 2005.

8- Porter, M. E., and Mark R. Kramer. "*Strategy and Society: The Link between Competitive Advantage and Corporate Social Responsibility.*" Harvard Business Review 84, no. 12, 2006.

9- BP Sustainability Report 2013

[http://www.bp.com/content/dam/bp/pdf/sustainability/group-reports/BP\\_Sustainability\\_Review\\_2013.pdf](http://www.bp.com/content/dam/bp/pdf/sustainability/group-reports/BP_Sustainability_Review_2013.pdf)

10- [www.pseez.ir](http://www.pseez.ir) وب سایت منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس (عسلویه)